



میل به جاودانگی با نوشتن زنده می‌شود/ اثر هنری بزرگترین سند برای فهم زندگی دیگران است

هایدگر می‌گوید من در میان دیگران به دنیا می‌آیم کار می‌کنم و تنها می‌میرم. دیگران من را ساخته‌اند و من براساس آداب و رسوم، دین، اخلاق و ... ساخته شده‌ام. من مستقل از مناسبات با دیگران نیستم.

بابک احمدی در نشست "فلسفه و مسأله دیگری" با تاکید به گفته هایدگر درباره من گفت: هایدگر می‌گوید من در میان دیگران به دنیا می‌آیم کار می‌کنم و تنها می‌میرم. دیگران من را ساخته‌اند و من براساس آداب و رسوم، دین، اخلاق و ... ساخته شده‌ام. من مستقل از مناسبات با دیگران نیستم.

به گزارش خبرنگار مهر، همایش دو روزه "فلسفه و مسأله دیگری" با حضور محمدرضا بهشتی عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه تهران، بابک احمدی پژوهشگر و مترجم فلسفه و محمدرضا سعیدآبادی دبیر کمیته ملی یونسکو روز گذشته 27 آبان ماه در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران کار خود را آغاز کرد.

بابک احمدی در بخش دیگری از این مراسم با اشاره به شعری از احمد شاملو و توضیح مفهوم دیگری گفت: در تنهایی و سخت‌ترین لحظات زندگی و همچنین در لحظات بیماری، تا در آستانه مرگ آدمی، همواره با دیگری زندگی می‌کند. نیاز بنیادین آدمی با زیست دیگران است این می‌حث بنیان بحث من است.

وی گفت: بیشتر تاریخ فلسفه درباره درک قاطعی از من، خویشستن و نفی جهان دارد. در فلسفه یونان و فلسفه مدرن سوژه‌ای بیرون از جهان وجود دارد این سوژه‌ها بیرون از من هستند و هم برای همه ما یک من است و دیگری چیزی که در درون آن نیروهای معنوی و ... وجود دارد. همه جهان دیگری برای تن من است که درون آن یک ذهنیت و سوژکتیویته به دنیا می‌اندیشد. این درک در تاریخ فلسفه تکرار می‌شود.

وی افزود: نکته دیگر در این موضوع ساختن یک پایگاه ارزشی برای دیگران است دیگران برای ما یک دست نیستند به طور مثال برای بسیاری از انسان‌ها اعضای خانواده از دوستان و همکارانشان به آنها نزدیک‌ترند از سوی دیگر بحث فاصله من با دیگران فیزیکی نیست. ممکن است خواهر من نوعی در آمریکا به من از همسایه‌ام نزدیک‌تر باشد. بنابراین ارزش‌گذاری دیگران را براساس سوژکتیویته خودمان و نیز آداب و رسوم، دین، خلق، اخلاقیات و ... می‌سازیم.

احمدی تصریح کرد: همیشه این ارزش‌گذاری براساس من ساخته نمی‌شود بلکه گاهی من به ارزش‌های بالاتر دل می‌بندم به طور مثال گاهی انسان از مرگ یک دختر بچه‌ای که در خیابان کار می‌کند تا از مرگ یکی از عزیزانش که مرگ هم دور از انتظار نباشد. بیشتر رنج می‌بیند و این به واسطه ویژگی انسانیت اوست. در اینجا سوژکتیویته جور دیگری کار می‌کند و از ارزش‌گذاری سیاسی، عرفانی و ... تاثیر می‌گیرد.

احمدی در ادامه با بیان اینکه وضعیت بشری دیگری را برای من مشخص می‌کند گفت: این وضعیت بشری است که برای من مشخص می‌کند کدام دیگری مهم‌تر و کدامیک کم اهمیت‌تر است. به هر حال اصل واقعیت در دنیای بیرون وجود دارد که براساس آن منی وجود دارد که قائم به ذات است و منابع خودش را می‌خواهد از سوی دیگر یک دنیای بزرگتری نیز وجود دارد که بنا به خواست و قدرتش آن را دسته بندی می‌کند. براین اساس همه من‌ها بیرون از جهان بیرون هستند و انگار هیچ ارتباطی بین آنها نیست.

وی با اشاره به اینکه هایدگر از جمله فیلسوفانی است که در این زمینه متفاوت می‌اندیشد گفت: هایدگر می‌گوید من در میان دیگران به دنیا می‌آیم کار می‌کنم و تنها می‌میرم. دیگران من را ساخته‌اند و من براساس آداب و رسوم، دین، اخلاق و ... ساخته شده‌ام. من مستقل از مناسبات با دیگران نیستم. مارکس نیز در همین باره بیان می‌کند که انسان جزء مجموعه‌ای از مناسبات اجتماعی نیست و انسان‌ها در مناسبات طبقاتی شکل می‌گیرند.

وی گفت: هایدگر تاکید می‌کند که حتی اگر پدر و مادر من تنها دلیل به دنیا آمدن من باشند و در زمان کودکی از دنیا بروند باز هم دیگران هستند که تیمار من را دارند چون من در کودکی نمی‌توانم از خود نگهداری کنم بر همین اساس است که هایدگر یادآور می‌شود مرگ منشأ اصالت من است چون من آن را با دیگری شریک نمی‌شوم.

احمدی با توضیح اینکه لحظه اصیل زندگی هر انسانی از دیدگاه هایدگر مرگ است، گفت: فقط در لحظه مرگ من با دیگران نیست بنابراین زندگی یعنی دیگری و مرگ یعنی تنهایی. زندگی من یعنی اصالت جامعه، دین، اخلاق و ... و مرگ یعنی اصالت من. از این منظر انسان یعنی دیگری و جسد و مرده یعنی من.

وی ادامه داد: اثر دیگر این است که هر انسانی با فرهنگ، آداب و رسوم و ... به دنیا می‌آید و این فضا فرهنگی و تاریخی است و دیگران آن را ساخته‌اند و به من به ارث رسیده و من فقط می‌توانم بر آن بیافزایم و چه بخواهم و چه نخواهم باید راه دیگران

را بروم. ناآگاهی جمعی نیز در این جا معنی پیدا می‌کند من وابسته به آدم‌های دیگری هستم که برای من چیزی به ارث گذاشته‌اند. به همین دلیل است که لویناس فیلسوف می‌گوید دیگری من را می‌سازد.

این محقق و نویسنده در بخش دیگری از سخنانش با ارائه مطالبی درباره هنر کهن در دوره رنسانس و روشنگری گفت: در این دوره تصور از سوژه به عنوان هنرمند وجود داشت و هنرمند با یک ذهنیت جهان را بازآفرینی می‌کرد. این در حالی بود که این هنرمند عنصری در میان جهان دیگران است چرا که خودش صدای و مفهوم جهان دیگران است. از همین منظر می‌توان از هنر و اثر هنری سخن گفت. هایدگر می‌گوید زندگی ما همه هنری است و در آن لحظات زیبایی‌شناختی وجود دارد که هنرمند آن را با دیگران شریک می‌شود. این لحظات بیرون از مدار ارتباطی هستند و نمی‌توانند ارتباط من و دیگران را شکل دهند در حالی که اثر هنری می‌تواند این ارتباط را شکل داده به گونه‌ای که دیگران آن را نقد کنند.

وی ادامه داد: و گفتدر اینجا سوال مهمی پیش می‌آید که برای هنرمند قرن 19 مطرح بود اما بیان شد. بودلر شاعر فرانسوی در این باره می‌گوید: خواننده ام، برادرم! من برای تو می‌نویسم! یکی از نویسندگان مدرنیسم ما صادق هدایت نیز در بوف کور می‌گوید من برای سایه ام می‌نویسم. راوی در این کتاب می‌گوید که از همه دنیا متنفر اس و همه آدم‌ها پست هستند اما در نهایت می‌گوید که من برای سایه ام می‌نویسد و

وی تصریح کرد: همه زیبایی‌های ادبیات عاشقانه نیز در این است که من عشق را برای دیگران تصویر می‌کنم. فلور نیز نویسنده بزرگ می‌گوید که می‌خواهد در کتابش که درباره «اما» یک زن است می‌گوید من دیگری هستم که بیش از نوشتن آن نبودم. سارتر درباره فلور می‌گوید او با نوشتن این کتاب شاید به آرزوی زن شدن خود تحقق داد. چون می‌خواست دیگر باشد.

وی با بیان این که یک نویسنده یا هنرمند برای دیگران در آینده اثری را خلق می‌کند گفت: من وقتی چیزی را می‌نویسم در واقع می‌خواهم دیگری ما را در آینده دآوری کند. ادبیات هم در واقع شرح در د و رنج هرمان بشری است. میل به جاودانگی با نوشتن و خلق اثر هنری در هنرمند یا نویسنده زنده می‌شود، میل به جاودانگی با نوشتن زنده می‌شود و اگر اثر خود کیفیت خوبی داشته باشد ماندگار هم می‌شود. به طور مثال شاید تنها چندین نسل کتابهای محمد حجازی را خوانده باشند اما حافظ جاودانه شد و جاودانه ماند.

احمدی با تأکید بر اینکه محرک اصلی اثر هنری گزارش به دیگران است افزود: دریدا می‌گوید شعر آینده است و اکنون نیست. وی با اشاره به اینکه اثر هنری سند دوران است، افزود: اثر هنری افتخارات و عظمت یک ملت را نشان می‌دهد. اثر هنری من را تبدیل به ما میکند. شخصیت‌های یک رمان مجموعه از آدم‌ها هستند و اثر هنری در واقع از من، ما می‌سازد. من همانطور که در خلق یک اثر هنری می‌خواهم خود را بشناسم مخاطب نیز می‌خواهد نویسنده را بشناسد. به همین دلیل است که علاقه به خواندن بیوگرافی بزرگان زیاد است، از طرف دیگر مخاطب می‌خواهد خود را هم بشناسد و به همین دلیل است که طی خواندن یک اثر از خود می‌پرسد او چه را این موضوع را می‌فهمد و من نمی‌فهمم.

احمدی گفت: اثر هنری تجدد یک رابطه اجتماعی میان من و تو و در واقع ماست. هنر وصل کننده این س است و برای همین اثر هنری بزرگترین سند برای فهم زندگی دیگران بوده است.